

# تاریخ مشروطیت ایران

## ۳

تذکرهٔ دویم - چون این مطلب از مطالب مسلمه است که سلطان و درباریان نسبت به رعایا سوء رفتار و اختیارات و یا عدالت منظور دارند قهراً "سایرین نأسی به آنان خواهند کرد چنانچه در این زمان که هوای قدس سلطنت که بوجود درباریان قاجار بی آرم مسموم گردیده چنانچه در خلوت سلطنتی غیر از شهوت رانی، اعمال وقیح و رکیک رفتاری ظاهر نیست مثل یک کلمه ایلخی بلکه بدتر . . . بواسطه شهرت حرکات ناشایسته رعب سلطنت از نظرهارفته، بهیچوجه خوفی در کار نیست. هر کس بحیال خود هر کاری میخواهد میکند اصلاً" مؤاخذه از کسی نمیشود. سالهاست که تعدیات حکمیه رجال دولت و حکام ولایات همهٔ بندگان خدا از حد تصور خارج است منجمله تعدیات مسیو نوز نسبت به تجار و تعدیات اودرگمرکات دولتی که عموماً "تجار بستوه آمده اظهار دلنگی دارند و خدمت حجه الاسلام آقای آقا سید عبدالله مجتهد پسر مرحوم آقا سید اسماعیل مجتهد بهبهانی تنظیم و شکایت کرده و حضرت معظم له هم شرحی خدمت حضرت والا که حالا صدراعظم است نوشته که اصلاحی از تعدیات مسیو نوز شود. اصلاً "محل اعتنا نشده، حجه الاسلام هم بجهاتی چند که عمده کدورات شخصی که از شاهزاده صدراعظم بوده مطلب را دنبال کرده ماده غلیظگردیده من بنده هم چون از خیلی تعدیات خارج و داخل حکام ولایات و وزیر مختارها و قنصلوهای در خارجه آگاهی داشتم بخصوص از تعدیات میرزا اسحاق خان قنصل مصر که بدستیاری و مستمسک حکم میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم چند دارائی مرحوم حاج میرزا حسین شریف اخوی را تصاحب کرده تفریط نمود این مذاکرات را غنیمت دانسته در مقام تقویت و همراهی حجه الاسلام شده بعضی اشخاص محترم خیر خواه را هم با خود همراه کرده که فی الواقع چرا باید باین اندازه ظلم و تعدی جاری باشد شایسته است به حجه الاسلام همراهی شود. بخصوص چند نفر از دوستان صادق و یاران موافق خود را گفتم که خوبست

بشکرانه بعضی عنایات الهیه که شامل حال ماهست ما هم لله در کمک حالی بحق اقدامی داشته باشیم. آنچه بنظر آمد بگوئیم و هر چه امکان شود بکنیم. لذا پنجنفر از کلام الله مجید قسم خورده با عهده یک ششم نداشته باشیم. چون عدد این انجمن پنج نفر واقع شد از روی عقیده صحیح خود را در پناه خمس طیبه واقع ساخته مسمی گردید بانجمن خمس خرده خورده مطلب بالا گرفت بعضی از علما و برخی از طلاب سادات و جمعی از تجار و کسبه هم همراه شدند. میرزا جواد خان سعدالدوله هم چون وزیر تجارتست بجهت عزل مسیو نوز در همراهی به تجار اقداماتی دارد و دستورهائی به تجار میدهد که چنین و چنان بگوئید و بکنید، بعضی از دولتیان هم محرمانه به حجه الاسلام بهبهانی پیغام میدهند که فخره مسیو نوز چندان اهمیتی ندارد بجهت اصلاح امور مملکت عدالت خانه بخواهید. آسید جمال واعظ و حاجی ملک المتکلمین هم در معاینه و مجالس تعدیات دولت را بمردم گوشزد مینمایند و دولت اصلاً "اعتنا باین مذاکرات ندارد. این گفتگوها در میانه تجار و اصناف مطرح کلام است یکدفعه تجار کاروانسراها و بازار را بسته با اطلاع حجه الاسلام بهبهانی قریب پانصد نفر از تجار رفتند بزایوه مقدسه عبدالعظیم متحصن شدند دو روز بعد از طرف دولت اتجار احضار شدند که بیایند بشهر و در دربار محلی منعقد شده که سعدالدوله وزیر تجارت بامسیو نوز به حکمیت دو نفر امین رفع اخلافت تجار را با مسیو نوز بنمایند. تجار قبول نکردند. در روز ۱۹ شهر صفر ۱۳۱۲ بزاز اصناف هم بازارها را بستند و در کمال سختی عزل مسیو نوز را درخواست دارند چون جماعتی هم محرمانه و مخفی در مقام اسباب چینی بجهت آوردن میرزا علی اصغر خان اتابک از فرنگستان شده به بعضی اشخاص پولها داده که اقدامات نمایند سفارت روس هم گفته است که چون دولت روس ضمانت مسیو نوز رئیس گمرکات را با دای اقساط قرض ایران پذیرفته است اگر بتوانید اسباب عزل و انفصال او را از ریاست گمرکات فراهم بیاورید ما در باب ضمانت قرض جز اتابک اعظم را بضمانت نمیپذیریم. باین ملاحظه کسان اتابک اغلب علما را هم دیده که عزل مسیو نوز را از دولتست بخواهند لذا جدا به مستمسک اضافه کردن گمرکات که سابقاً "معمول نبوده و تعدیاتی که اتباع مسیو نوز بمردم میکرده مردم هم جدا" در مقام تظلم برآمده عزل او را درخواست کردند. جناب عین الدوله صدراعظم جمعه ۲۲ صفر بحضرت عبدالعظیم رفته بعد از زیارت خواسته بودند تجار را ملاقات نموده امیدوار کرده که معاودت بشهر نمایند. تجار ملاقات نداده بودند. این حرکت تجار موجب نفرت و تغییر صدارت شده مراجعت بشهر مینمایند.

یکشنبه ۲۴ صفر محمد علی میرزای ولیعهد میروید منزل تجار با کمال مهربانی انجام مقاصد آنهارا بعهده گرفته مراجعت کرده بود به حضور اعلیحضرت ملوکانه عرض کرده جواب

مساعدی صادر و بجهت تجار فرستاده شد .

روز ۲۷ صفر تجار معاودت بشهر کردند . غره ربیع الاول هم بازارها را باز کردند ولی این حرکت تجار بی اطلاع حجه الاسلام بهبهانی بوده بعد از اطلاع فرمودند تجار را فریب دادند . میرزا جوادخان سعدالدوله وزیر تجارت هم مراضی بآمدن تجار و باز کردن بازار نبودند چنانچه در ملاقات خود من معزی الیه می گفتند که مسیو نوز آسان آسان صرف نظر از اینکار نخواهد کرد ، مرا هم در حضور ملوکانه بدنام کرده اند که محرک تجار هستیم . صرافها هم که بواسطه هفتاد هزار تومان قبوضات خزانه که در خانه حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه متحصن شده بودند آنهاهم نائل به مقصد نشده از خانه امام مایوسانه خارج شده چنین تصور نموده که امام در کار آنها کوتاهی کرده . روز گذشته این ورقه اعلام ژلاتین در کوچه و بازار و کاروانسراها انداخته شده . صورت اعلان :

چون این مردم تا دیده و شنیده اند از آقایان و بزرگتران خود ، خود را عبد و عبید و حقیر و ذلیل سلطان و صدراعظم ها و وزیر و حاکم و کدخدا و فراش دیده اند که بهسر نحو ظلم و تعدی میکنند با کمال ترس و خوف تمکین کرده احتمال نمیدهند ممکن است تحمل بکنند و حال آنکه امام علیه السلام فرموده که خوبست ظالم ظلم نکند . اگر ظالم ترک ظلم نکرد مظلوم قبول و تحمل ظلم نکند زیرا که مسلمی تمام نوع بشر است که عدل بهتر از ظلم است . با وجود این خدا عالم است که از این حکام و ضابطها و کدخداهای و فراشها چه بر مردم وارد می شود بالاتر از آن تعدیات سلوک و رفتار مسیو نوز و اتباع اوست در گمرکخانهها که فی الواقع مردم بستوه آمده اند و حال آنکه در شریعت اسلام تسلط کفر بر مسلمانان حرام است . نواب والا عین الدوله نظر به پولهائیکه از او گرفته و میگیرد اصلاً گوش بحرف تجار نمیدهد . تجار بدبخت هم که کاری از آنها ساخته نیست تظلم به پادشاه است ثمر نکرد . تحصن به حضرت عبدالعظیم است رفتند ثمر نکرد مگر التجاء به علماء اعلام و حجج اسلام کنند چنانچه کرده اند بلکه با اقدامات آنها نتیجه حاصل شود . تاکنون چند عریضه خدمت حجج اسلام نجف اشرف عرض کرده اند تا کنون جوابی نیامده اگر چه حضرت حجه الاسلام آقای آقا سید عبدالله اقداماتی کرده عموم مردم را امیدوار کرده اند جدا " عزل مسیو نوز را از نواب والا عین الدوله خواسته اند ولی عین الدوله بی اعتنایی کرده جواب نداده خدمت پادشاه هم عریضه عرض کرده اند ، جواب را رجوع بعین الدوله کرده . این بی اعتناییها اسباب تجری مسیو نوز شده تقلید علما را در آورده عمامه بسر گذارده این عمل زیاده بر مردم ناگوار گردیده کلیه " و خلقنا " پادشا همان ( مظفرالدین شاه ) قدری بی شعور است . نظر من به گفته امیر بهادر است که باعتقاد خودش شاه پرست است دیگر تصور نمیکند که هرگاه مردم بستوه آمده یکدل و یکجهت سر از اطاعت و تمکین برداشته

جواب بدهند چه خواهد کرد. همه مردم رایکدفعه خواهد کشت؟ نمیتواند بلکه اگر یکدفعه هجوم و باوا شود جان خودش و وزراء دولتش در خطر است. حالا از بابت اینکه عقلاء قوم و دانشمندان مملکت بدانند که این مردم این حرکات را بر حسب وحشیگری نکرده و نمیکند بلکه بواسطه ناچاری است که آنچه از عقلاء و قوم دانشمندان و امرا و اعیان و علماء راهی و چاره و دستوری بنظرشان برسد بهر وسیله‌ای که صلاح دانند گوسزد این مردم بنمایند تا از آن راه در مقام اصلاح کار خود شوند و جلوگیری از این تعدیات ظالمانه بنمایند والا امکان ندارد که مردم منصرف از خیالات خود شوند و حاضر باشند بجهت این نفع‌عنها و تکبرهای عین-الدوله و تعدیات امیر بهادر و جهال اجزاء خلوت شاه که تصور کرده اند که ماها را خریده‌اند (امضاء - بیدار شدگان مملکت) .

( ادامه دارد )

بقیه از صفحه ۴۵

است بنام " اثبات چهل تن خاکی " از درویش پروان علی سبزواری و نیز " منتخباتی از رساله درویش گلشیر سبزواری " . ( درویش گلشیر در تکیه درویشان خاکسار واقع در اواسط کوچه حمام حکیم سبزواری مدفون است )

۶- رساله مخطوط مستعلیشاه دامغانی ، که نزد بازماندگان او در ولایت دامغان است و من وقتی که در آن ولایت بخدمت قضا مشغول بودم آن رساله را نزد کسان آن درویش دیدم. از مشاهیر این قوم گذشته از درویش پروان علی سبزواری و درویش گلشیر سبزواری که رسائل ایشان در مجموعه ایوانف طبع شده است شوقعلیشاه سبزواری از مردم روستای ایزی - معروف به " ده بدنام " - است که طبع شعری داشته و جناب سید علینقی امین نسخه از اشعار او دارند و در تاریخ سبزواری بنام او اشارتی فرموده . تصویر این درویش در التزام مرشد او بهارعلیشاه در کتاب گنجینه اولیا چاپ شده (حاج شیخ عبدالکریم مدرسی عالم ، گنجینه اولیا ، ص ۵) .

شیخ طاهر ضیاءالذاکرین در گذشته ۱۳۷۳ هـ . ق مشهور به رثابه حکایت فرزند زادماش محمود سروسراز این طایفه بوده است . فرزند ضیاءالذاکرین محمد رثائی اهل شعر و موسیقی است . نیز حاج سید احمد نوربخش دهکردی میر رحمت علیشاه و متخلص به حقانی که شرح حال او در تذکره القبور اصفهان و نیز تاریخ بختیاری تألیف آقای سرهنگ اوژن بختیاری ثبت است و مقدس علیشاه فانی مبارکه بی در گذشته ۱۳۵۳ هـ . ق که دیوان اشعار او مکرر در اصفهان چاپ شده . نیز حاج شیخ اسدالله امین الواعظین دزفولی ساکن تهران ، در گذشته ۱۳۴۲ هـ . ق و نیز میرزا ابراهیم شاه عربشاهی که شرح حال او را وقتی در مجله وحید نوشته‌ام .